**بررسی معانی واژة «دست» در برخی از ضرب­المثل­های زبان فارسی بر اساس نظریة معنایی سرنِمون**

سیده مریم فضائلی[[1]](#footnote-1)

دانشجوی دکتری زبان­شناسی همگانی، دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

نظریة معنایی سرنمون[[2]](#footnote-2) که رویکردی به مطالعة معنای واژگان است، تحت تأثیر تحقیقات روان­شناختی راش [[3]](#footnote-3)و همکارانش دربارة ماهیت مقوله­بندی انسان شکل گرفته است. هدف از انجام پژوهش حاضر بررسی معانیِ مرکزی و حاشیه­ایِ «دست» در 66 ضرب­المثل­های زبان فارسی است که از 15 فردی که دامنة سنی 45- 60 سال داشتند، جمع­آوری شد. یافته­های تحقیق نشان می­دهد که در غالب ضرب­المثل­ها، واژة «دست» معنای حاشیه­ای دارد که این امر به دلیل استعاری بودن ماهیت ضرب­المثل­ها است. در تمام مواردی که «دست» در معنای مرکزی خود آمده است، بافتی زبانی وجود دارد که تعیین­کنندة معنای مرکزی آن است. گاهی این بافت و کلمة «دست» با هم ترکیب اضافیِ تعلقی را تشکیل می­دهند، گاهی بافت زبانی و لفظ «دست» در یک حوزة معنایی هستند و گاهی بین این دو رابطة مفهومی نقشی وجود دارد. در غالب ضرب­المثل­ها بافت زبانی مشخص­کنندة معانی حاشیه­ای «دست» است که غالب این بافت­ها عبارات کنایی هستند. برخی از روابطی که میان معنای حاشیه­ای «دست» و سایر بافت­های زبانی وجود دارد، رابطة با­هم­آیی و روابط مفهومیِ جزءواژگی و شماری است. همچنین یافته­ها بیانگر اینند که «دست» 9 معنای حاشیه­ای دارد که 8 معنای آن به نوعی در ارتباط با معنای مرکزی «دست» است و 1 معنای آن (واحد شمارش)، اینگونه نیست. این معانی عبارتند از: انجام دادن کار، اختیار، کمک و یاری کردن، توانایی داشتن، طلب کمک و یاری، آسیب رسانی، قدرت، عدم دسترسی و واحد شمارش. معانیِ حاشیه­ای مرتبط با معنای مرکزی «دست»، برخی از تفکرات قوم ایرانی را در مورد این عضو بدن به طور عام و به طور خاص، نوع نگاه افراد مصاحبه ­شونده در این تحقیق را به «دست» نشان می­دهند.

**کلیدواژه­ها**: نظریة معنایی سرنمون، ضرب­المثل، دست، معنی مرکزی، معانی حاشیه­ای، زبان فارسی.

1. . نویسنده مسؤول: Email Address: ma.fazaeli@stu-mail.um.ac.ir [↑](#footnote-ref-1)
2. prototype semantic theory [↑](#footnote-ref-2)
3. Rosch [↑](#footnote-ref-3)